


## The Impact of Economic Growth on Poverty: A Comparative Study of the First and Third Development Plans

**Mohammad Reza Zare**   
**Chamazkoti \***

Master of Economics, Faculty of Economics,  
University of Mazandaran, Babolsar, Iran

**Zahra karimi Moughari** 

Associate Professor, Faculty of Economics,  
University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

**Sharyar Zaroki** 

Associate Professor, Faculty of Economics,  
University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

### Abstract

According to principles 29, 31, and 43 of the Constitution of Iran, one of the goals of the Islamic Republic is to deal with poverty and economic and social inequality in the country, and for this purpose, two strategies have been followed in parallel after the revolution. One of these strategies was the extension and side assistance of the government to fight against poverty and deprivation. In this context, the government implemented policies and plans in the form of economic and social development plans. Therefore, according to this necessity, the aim of the current research is to investigate the impact of economic growth on poverty: comparative studies of the first and third development plans. The results of the estimation of the research model based on the autoregression method with distributed lag indicate that economic growth (from 1978 to 2021) has a positive and significant effect on poverty in the long term, while economic growth (the first and third development plans) and oil rents have a negative and significant effect on poverty, and social security expenses have no effect on poverty in the long term. Therefore, it can be said that economic growth alone is not enough to deal with poverty, but along with the dynamic growth process, improved infrastructure for society (including the poor) and institutional reforms should be implemented in parallel.

**Keywords:** Poverty, Economic Growth, First Development Plan, Third Development Plan.

**JEL Classification:** O15, I3, H54, D63, E2


- This article is taken from the master's thesis of Mazandaran University.


\*Corresponding Author: [zareml829@gmail.com](mailto:zareml829@gmail.com)


**How to Cite:** Zare Chamazkoti, M.R., Karimi Moughari, Z., & Zaroki, Sh. (2022). The Impact of Economic Growth on Poverty: A Comparative Study of The First and Third Development Plans. *Journal of Economic Research*, 85 (22), 93-118.



## تاثیر رشد اقتصادی بر فقر: مطالعات تطبیقی برنامه اول و سوم توسعه

محمد رضا زارع چمازکتی \*  کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

زهرا کریمی موغاری  دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

شهریار زروکی  دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

### چکیده

با توجه به اصول ۲۹، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی ایران، یکی از اهداف آرمانی جمهوری اسلامی، مقابله با فقر و نابرابری اقتصادی و اجتماعی در کشور می‌باشد و برای این منظور دو استراتژی به طور موازی پس از انقلاب دنبال شده است. یکی از این استراتژی‌ها گسترش و کمک‌های جانبی دولت برای مبارزه با فقر و محرومیت بود. در این زمینه، دولت سیاست‌ها و برنامه ریزی‌هایی در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی به اجرا گذاشت. لذا با توجه به چنین ضرورتی هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر رشد اقتصادی بر فقر: مطالعات تطبیقی برنامه اول و سوم توسعه می‌باشد. نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش بر مبنای روش خود بازگشتی با وقفه‌های توزیعی حاکی از آن است که رشد اقتصادی (از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۹) بر فقر در بلندمدت اثر مثبت و معنی دار دارد در حالی که رشد اقتصادی (برنامه اول و سوم توسعه)، رانت نفتی بر فقر اثر منفی و معنی دار دارند، مخارج تامین اجتماعی بر فقر در بلند مدت تاثیری ندارد. لذا می‌توان بیان داشت که صرف رشد اقتصادی برای مقابله با فقر کافی نیست بلکه در کنار فرآیند رشد پویا، زیر ساخت‌های بهبود یافته برای جامعه (از جمله فقرا) و اصلاحات نهادی باید به موازات آن اجرا شود.

کلیدواژه‌ها: فقر، رشد اقتصادی، برنامه اول توسعه، برنامه سوم توسعه

طبقه‌بندی JEL: O15, I3, H54, D63, E23

- مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران است.

\* نویسنده مسئول: zarem1829@gmail.com

## ۱. مقدمه

فقر و متغیرهای مربوط به آن از جمله متغیرهای مهم اقتصادی هستند که نه تنها ابعاد اقتصادی، بلکه ابعاد اجتماعی آن نیز دارای اهمیت بی‌شماری است. بررسی وضعیت فقر و در کنار آن توزیع درآمد همانند هر متغیر اقتصادی دیگر دارای اهمیت است؛ از این رو، کاهش فقر مستلزم رشد فراگیر<sup>۱</sup> و حکمرانی خوب در سطح ملی است. افزون بر این، چنین فرآیندی به رویکردهای توسعه‌ای نیاز دارد که پایدار باشند. مطالعات صورت گرفته توسط پژوهشگران پیشین نشان می‌دهد که رشد صرف برای تضمین کاهش فقر قابل قبول و پایدار، کافی نیست. نرخ‌های رشد برابر می‌تواند به دستاوردهای کاهش فقر متفاوتی در بین کشورها منتهی شود. برای هر نرخ رشد معینی در کشورهایی که توزیع درآمد در آن‌ها متعادل تر باشد، مانند اوگاندا در مقایسه با کشورهایی که توزیع درآمد در آن‌ها عادلانه نباشد، مانند بنگلادش فقر سریع‌تر کاهش پیدا می‌کند.

پژوهش‌ها در کشور ایران حاکی از کاهش فقر در ایران نیست. برای نمونه، ارزیابی اخیر بانک جهانی نشان از افزایش فقر در ایران با معیار ۵/۵ دلار در روز دارد (World Bank, 2020). با توجه به اصول ۲۹، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی ایران، یکی از اهداف آرمانی جمهوری اسلامی، مقابله با فقر و نابرابری اقتصادی و اجتماعی در کشور است و برای این منظور دو استراتژی به طور متوازی پس از انقلاب دنبال شده است؛ یکی از این استراتژی‌ها گسترش و کمک‌های جانبی دولت برای مبارزه با فقر و محرومیت بود. در این زمینه، دولت سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی را در شش برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی به اجرا گذاشت که در این مقاله دو برنامه مقابله با فقر اول و سوم توسعه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در برنامه اول، رشد اقتصادی از اساسی‌ترین نیازهای توسعه ملی به شمار می‌آمد و همچنین به آزادسازی قیمت‌ها و خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی تاکید شد. در این برنامه به دنبال این هدف بودند که با توانمندسازی بخش خصوصی و تسریع رشد اقتصادی، خود به خود فقر کاهش خواهد یافت؛ یعنی عدالت توزیعی محصول فرعی رشد است. با اتکای دولت به درآمدهای ارزی حاصل از نفت و اجرای ناقص و بسیار

---

1. Inclusive growth

بد سیاست‌های تعدیل و برآیند فشارهای داخلی برای حفظ مواضع قدرت سیاسی و اقتصادی به دست آمده، موجب شد که پیشرفت در زمینه ایجاد نهادهای اقتصاد بازار و تعامل سازنده با جهان خارجی به کندی صورت گیرد. هر چند در دوره‌های بعد از جنگ عملکرد اقتصادی کشور بهتر از دوره قبل از انقلاب و جنگ بود، اما این سیاست‌ها به تورم شدید در اقتصاد دامن زد. نابرابری سبب شده است که از تاثیر رشد اقتصادی بر فقر کاسته شود و سهم مناطق روستایی از این نابرابری‌ها بیشتر از مناطق شهری بوده است.

در برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) جهت‌گیری اصلی این برنامه، اصلاحات ساختاری و نهادی به منظور آزادسازی و خصوصی‌سازی بود. برنامه سوم با راهبرد اصلاحات اقتصادی مبتنی بر رویکرد «توسعه اقتصاد رقابتی» از طریق حرکت به سمت آزادسازی اقتصادی همراه با نظام جامع تامین اجتماعی و اصلاحات قانونی و نهادی و کاهش تصدی‌گری دولت مطرح شد.

همانطور که در ابتدای سخن مطرح شد کشور ایران دارای نوسانات اقتصادی است. با تغییرات فقر مشخص شد که نابرابری در برنامه سوم وجود داشته، اما در حدی نبوده است که اثر رشد را از بین ببرد. از دلایل ناکامی برنامه سوم در ایجاد برابری درآمد می‌توان به افزایش بی‌رویه واردات، کند شدن صادرات غیرنفتی، افزایش حجم نقدینگی، وابستگی زیاد بودجه به درآمد نفتی و از همه مهم‌تر رشد اشتغال پایین اشاره کرد.

با توجه به اینکه آمارهای شاخص اصلی نشان می‌دهد که برنامه سوم در اجرا از دیگر برنامه‌ها موفق‌تر بوده، ذکر این نکته ضروری است که تناقض در نتایج مطالعات انجام شده توسط پژوهشگران پیشین نیز بیانگر این نکته مهم است که نمی‌توان یک قانون و قاعده کلی برای رابطه بین رشد و فقر ارائه داد. همچنین اغلب برنامه‌های قبل از انقلاب طرح‌های عمرانی بودند، اما بعد از جنگ تحمیلی برنامه‌هایی جهت اصلاح ساختاری صورت گرفت. برای این منظور در این مطالعه سعی شده است به بررسی اثر رشد بر فقر با در نظر گرفتن برنامه اول و سوم توسعه در فاصله زمانی (۱۳۹۹-۱۳۵۷) پرداخته شود.

مطالعه حاضر در پی پاسخگویی به این سوالات است که نخست، رشد اقتصادی چه تاثیری بر فقر دارد؟ و دوم، آیا اثر رشد اقتصادی بر فقر در برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸) و سوم (۸۳-۱۳۷۹) توسعه متفاوت از سایر سالها است؟ ساختار مطالعه به این ترتیب سازماندهی شده است که در بخش اول مقدمه‌ای در خصوص فقر و رشد اقتصادی به همراه وضعیت این متغیرها در برنامه اول و سوم آورده شده است. بخش دوم به پیشینه پژوهش و مبانی نظری پرداخته شده است. در بخش سوم روش پژوهش و معرفی مدل، متغیرها، شاخص‌ها و آزمون‌های لازم ارائه می‌شود و در بخش چهارم به اعمال روش رگرسیون از طریق خود توضیحی با وقفه‌های توزیعی<sup>۱</sup> و به دست آوردن ضرایب و تحلیل آن‌ها پرداخته شده است. بخش پنجم نیز بحث و نتیجه‌گیری حاصل از مطالعه را بیان کرده است.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مطالعات مختلفی در خصوص چگونگی کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه انجام شده است که در اغلب آن‌ها رشد اقتصادی به عنوان راه‌حل اصلی کاهش فقر مورد تاکید قرار گرفته است (Ravallion & Chen, 2003). اما نابرابری و تاثیر آن بر رشد اقتصادی باعث طرح این سوال می‌شود که آیا فقرا همواره از رشد اقتصادی منتفع می‌شوند؟ فقر و نابرابری دو پدیده کاملاً متفاوت‌اند، اما به شدت به هم مرتبط هستند. در راستای رسیدن به کاهش فقر، نابرابری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که رشد اقتصادی به طور غیرمستقیم بر فقر تاثیر می‌گذارد که این اثر از طریق توزیع درآمدها است، چنان که در سطح معینی از نرخ رشد اقتصادی، نابرابری بیشتر منجر به نرخ کاهش فقر کمتری خواهد شد (Lopez, 2005).

از نظر وایت و اندرسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) زمانی رشد حامی فقرا<sup>۳</sup> است که الگوی رشد در جامعه سهم درآمدهای جمعیت فقیر جامعه را افزایش دهد. به عبارت دیگر، زمانی می‌توان رشد را حامی فقرا تلقی کرد که نرخ رشد درآمد فقرا بیش از نرخ رشد درآمد متوسط کل جامعه باشد. در این صورت نابرابری نیز کاهش خواهد یافت. در صورتی

1. the autoregression method with distributed lag

2. White, H. & Anderson, E.

3. Pro-poor Growth

که چنین الگوی رشدی دنبال شود، رشد حامی فقرا به سمتی می‌رود که سهم فقرا از درآمد کل جامعه به اندازه سهم جمعیتی آنها باشد.

از اصلی‌ترین نظریات رایج در مقوله نابرابری و رشد اقتصادی، نظریه کوزنتس<sup>۱</sup> (۱۹۶۵) است که توزیع نابرابر درآمد از شروط اصلی رشد اقتصادی می‌داند. وی بیان می‌کند که نیازهای قشر ضعیف جامعه، اشباع شدنی نیست و میل نهایی به مصرف در اقشار کم درآمد بسیار است. بنابراین، بخش اعظمی از درآمد این طیف درآمدی، صرف خرید کالاها می‌شود، اما در مقابل دهک‌های با درآمد وافر به نسبت، بخش کثیری از درآمد خود را صرف پس‌انداز می‌کنند، چراکه میل نهایی به مصرف این طیف درآمدی پایین‌تر بوده و مازاد درآمد آنها وارد چرخه پس‌انداز - سرمایه‌گذاری می‌شود و در نهایت، تجربه رشد اقتصادی بالا و توسعه حاصل می‌شود. بعد از آن پدیده ریزش یکباره<sup>۲</sup> اتفاق می‌افتد که سرمایه‌گذاران تقاضایشان برای نیروی کار (افراد کم درآمد)، بالاتر برده و ریزش به پایین صورت می‌گیرد و ممکن است توزیع درآمد به گونه متعادل هموار شود.

در حوزه کاربردی و تجربی مطالعاتی در زمینه پژوهش حاضر انجام شده که در این قسمت به مرور برخی از این مطالعات داخلی و خارجی پرداخته می‌شود. خداداد کاشی و شاهیکی تاش (۱۳۹۳) در مطالعاتی به بررسی چگونگی متغیرهای اقتصاد کلان بر میزان فقر در جامعه ایران تاثیر می‌گذارند، پرداختند. ایشان به نتیجه رسیدند که رشد اقتصادی اثرات قابل توجهی بر فقر در ایران دارد. همچنین آنها این را نشان دادند بین رشد و فقر رابطه منفی وجود دارد؛ یعنی افزایش نرخ رشد منجر به کاهش فقر می‌شود. علاوه بر این، آنها نشان می‌دهند که بیکاری و تورم اثرات مثبتی بر فقر و تامین اجتماعی دارد.

راغفر و همکاران (۱۳۹۴) طی مطالعاتی به بررسی ارتباط پدیده فقر با رشد اقتصادی و نابرابری به تفکیک برنامه‌های توسعه اول تا چهارم اقتصادی، اجتماعی پرداخته است. برای این منظور کشش‌های فقر نسبت به رشد اقتصادی و نابرابری محاسبه شده و در نهایت چگونگی توزیع منافع ناشی از رشد به کمک شاخص نرخ

---

1. Kuznets

2. Trickle down

رشد معادل فقر<sup>۱</sup> کاکوانی<sup>۲</sup> مورد بررسی قرار گرفته است. تجزیه تغییرات فقر در مناطق شهری، روستایی و کل کشور نشان می‌دهد که اثر خالص رشد بر فقر منفی است، اما اثر خالص نابرابری دارای نوسانات مثبت و منفی بوده است. تحولات اقتصادی و سیاسی در ایران طی دوره مورد مطالعه تا حد زیادی می‌تواند این روند نامنظم را توجیه کند. محاسبه شاخص نرخ رشد معادل فقر و مقایسه نتایج برنامه‌های توسعه اول تا چهارم اقتصادی، اجتماعی ایران نیز نشان می‌دهد که با وجود برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشور سیاست اثرگذاری برای دستیابی به رفاه و آسایش مستمر دنبال نشده است.

اشرفی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «سه وجهی رشد، نابرابری و فقر در ایران طی برنامه‌های توسعه» به رابطه متقابل رشد اقتصادی، نابرابری و فقر طی برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه ایران پرداختند. متدولوژی این مطالعه بر اساس تئوری انکینسون<sup>۳</sup>، ارتباط منحنی لورنز<sup>۴</sup> تعمیم یافته و تغییرات در فقر است و نتایج نشان می‌دهد که با وجود اجرای پنج برنامه توسعه، سیاست‌های کاهش فقر به صورت یک برنامه استراتژیک پایدار در طول برنامه‌های توسعه به کار رفته نشده و استفاده از درآمدهای نفتی برای حل مسئله فقر به صورت پروژه درمانی بدون توجه به مسئله رشد و توسعه باعث شده که فقر از یک طرف به تعویق افتاده همچنین بازگشت فقر در دوران بعدی با وسعتی بیشتر صورت گیرد.

بهبودی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به اندازه‌گیری و مقایسه درجه رشد فقرزدا در کشورهای اسلامی پرداختند و ارتباط بین سه مفهوم توسعه‌ای فقر، نابرابری و رشد را با استفاده از شاخص‌های کاکوانی و پرنیا<sup>۵</sup> و کاکوانی و سان<sup>۶</sup> مورد توجه قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که برای کشور قزاقستان رشد قویا حامی فقرا بوده و تاجیکستان بیشترین کاهش فقر را تجربه کرده است. به علاوه در کشور ایران نیز در دوره (۱۳۸۳-۱۳۹۵) با شاخص رشد حامی فقرا و نرخ معادل رشد فقر به ترتیب فقرزا و

- 
1. Poverty equivalent growth rate (PEGR)
  2. Kakwani, N.
  3. Enkinson's theory
  4. Lorenz curve
  5. Kakwani, N. & Parnia, E.
  6. Kakwani, N. & Son, A.

حامی فقرا بوده است. محققین این مطالعه معتقدند که با توجه به نتایج تحقیق نمی توان به طور کلی رشد را در کشورهای اسلامی به طور نسبی حامی فقرا دانست.

در مطالعه‌ای فانتا و آپادهای<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) از داده‌های مربوط به ۱۶ کشور آفریقایی برای تخمین اثر رشد اقتصادی بر سطح فقر استفاده کردند. آن‌ها استدلال کردند که رشد برای کاهش سطح فقر در آفریقا اساسی است، اما کاهش رشد فقر در بین کشورهای متفاوت است. نتایج آن‌ها نشان داد که رشد اقتصادی تمایل به کاهش فقر در آفریقا دارد. دستیابی به سطوح رفیع توسعه اقتصادی به کشورها اجازه می‌دهد تا استانداردهای زندگی خود را بهبود ببخشند. بنابراین، آن‌ها سیاست‌هایی را توصیه کردند که هدفشان توسعه اقتصادی و کاهش نابرابری درآمد در آفریقا است.

در مطالعه‌ای تریدیکو<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) تاثیر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری درآمد در ۵۰ اقتصاد نوظهور بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۶ تجزیه و تحلیل کرد. او توسعه اقتصادی را فرآیند گسترده‌تری از رشد اقتصادی تعریف کرد که شامل تغییرات نهادی و توسعه انسانی است. نتایج او نشان داد که رشد اقتصادی هیچ تاثیر مثبتی بر سطح فقر ندارد. وی تصریح کرد که با وجود اینکه میانگین رشد اقتصادی این کشورها در دوره مورد بررسی ۴/۷ درصد برآورد شده است، اما به دلیل عدم همراهی رشد اقتصادی با سایر مولفه‌های توسعه، سطح فقر به طور قابل توجهی تحت تاثیر قرار نگرفته است. او همچنین تاثیر رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد را بررسی کرد و دریافت که رشد اقتصادی، نابرابری درآمد در طول دوره بدتر کرد. به گفته وی، سطوح پایین آموزش و هزینه‌های عمومی ممکن است به نابرابری درآمد بالا منجر شده باشد. بنابراین، او به این نتیجه رسید که نابرابری درآمد با رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت، مگر اینکه استانداردهای آموزشی بهبود یابد و دولت‌ها کیفیت سازمانی خوب را ارتقا دهند و همچنین استراتژی‌هایی برای ارتقای توسعه انسانی ایجاد کنند.

در مطالعه‌ای، لی و پرا<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) نقش رشد اقتصادی و کیفیت نهادی را در کاهش فقر در آسیا از سال (۱۹۸۵-۲۰۰۹) بررسی کردند. آن‌ها استدلال کردند که عوامل زیادی پشت مشکل مداوم فقر در کشورهای در حال توسعه وجود دارد و رشد

1. Fanta, F. & Upadhyay, M.

2. Tridico, P.

3. Lee, L. & Perera, G.



اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند تمام تغییرات در سطوح فقر را توضیح دهد. برخی از عوامل عبارتند از: ثبات دولت و حاکمیت قانون، فساد و پاسخگویی دموکراتیک. آن‌ها دریافتند که رشد اقتصادی به طور قابل توجهی سطح فقر را در منطقه جنوب و شرق آسیا کاهش داد. رشد اقتصادی توزیع درآمد را بدون تغییر می‌گذارد و بنابراین، منجر به کاهش بیشتر سطح فقر می‌شود. در خصوص کیفیت نهادی، آن‌ها رابطه منفی بین ثبات دولت، حاکمیت قانون و فقر یافتند. بنابراین، بهبود کیفیت‌های سازمانی منجر به کاهش فقر در طول سال‌ها شد.

در مطالعه‌ای ماررو و سرو<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) رابطه بین نابرابری درآمد با رشد اقتصادی و فقر را بررسی کردند. به عنوان مثال، بر اساس برآورد یک معامله رشد به صورت کاهش یافته با گنجاندن معیارهای فقر، نابرابری و عوامل تعیین‌کننده رشد استاندارد، رابطه بین فقر، نابرابری درآمد و رشد اقتصادی با چهارچوب تحلیلی یک مدل یادگیری با سرریز دانش سازگار است. در چنین مدلی، افراد با توجه به اینکه وقف اولیه آن‌ها کمتر از حداقل سطح مصرف است، قادر به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نیستند. بنابراین، این مطالعه نشان می‌دهد که موضوع نابرابری، رشد و فقر دارای همبستگی منفی هستند و در مقابل موضوع فقر، رشد و نابرابری درآمد می‌تواند بسته به مشخصات تجربی و رویکرد اقتصاد سنجی مثبت یا منفی باشد. چنین یافته‌هایی با ماهیت داده‌هایی که با مشاهدات نمونه با سطح فقر بالا مشخص می‌شوند، توضیح بیشتری می‌دهند. استدلال آن‌ها دلالت بر این دارد که سیاست‌های بهبود رشد، نابرابری درآمد و فقر باید روابط متقابل بین هر یک از فقر، نابرابری درآمد و رشد اقتصادی را در نظر بگیرند.

در مطالعه‌ای برونیک و مجید<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) با تمرکز بر نابرابری و فقر و تعامل آن‌ها، تاثیر منفی نابرابری بر رشد اقتصادی را برجسته کردند. داده‌های اقتصادی پایه آن‌ها شامل ۱۵۲ کشور است. نتایج آن‌ها نشان داد وقتی هم نابرابری و هم فقر را در نظر می‌گیرند، اثر منفی نابرابری بر رشد در میان کشورهای با فقر فراوان متمرکز است.

---

1. Marrero, G. & Serven, L.

2. Bruning, R. & Majid, O.

با توجه به مطالعات صورت گرفته توسط پژوهشگران پیشین که اثر رشد بر فقر را طی یک دوره طولانی بررسی کردند از آنجا که نابرابری امکان دارد از تاثیرات رشد بر فقر بکاهد، ما در این مطالعه قصد داریم رشد اقتصادی دو برنامه اول و سوم را به صورت متغیر مجازی در مدل قرار داده و نتایج برنامه اول و سوم را با نتایج کل دوره مقایسه و نتایج حاصله را در صورت مطابقت نداشتن با انتظار ریشه‌یابی کنیم. از آنجا که قشر کثیری از مردم ایران تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی هستند و همچنین رشد اقتصادی به طور ضروری فقر را کاهش نمی‌دهد یا حمایت اجتماعی افراد را به دنبال ندارد به همین دلیل از مخارج تامین اجتماعی در مدل به کار گرفته شده و در آخر با توجه به اینکه کشورهای در حال توسعه از جمله ایران تک محصولی هستند از رانت نفتی علاوه بر اثراتی ساختاری که بر تولید و رشد بلندمدت اقتصاد کشور دارد، اثرات قابل توجهی بر تولید و رشد اقتصادی کوتاه مدت نیز باقی می‌گذارد، استفاده می‌کنیم.

### ۳. تصریح مدل و معرفی متغیرها

در این پژوهش برای جمع‌آوری مبانی نظری و ادبیات موضوع پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. برای این منظور از طریق مطالعه کتاب‌ها و نشریات مربوطه و مراجعه به سایت‌های تخصصی، اطلاعات لازم جمع‌آوری شده است. همچنین در ادامه برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۹ با مراجعه به سایت‌های بانک مرکزی برای متغیر رشد اقتصادی و تورم، بانک جهانی برای رانت نفتی و انتشارات آماری سایت تامین اجتماعی برای متغیر مخارج تامین اجتماعی استفاده شد.

همانطور که ذکر کردیم، این پژوهش با هدف تاثیر رشد اقتصادی بر فقر: مطالعات تطبیقی برنامه اول و سوم توسعه است. برای این منظور با توجه به ادبیات موجود در این زمینه، الگوی پژوهش به شرح رابطه (۱) ارائه می‌شود.

$$PI_t = \alpha_0 + \beta_1 GDPPCG_t + \beta_2 DUMPRGGDPPCG_t + \beta_3 OILRENT + \beta_4 SSREXRATIO_t + \beta_5 INF_t + \beta_6 DUMWRA_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

در رابطه (۱)، نرخ سرشمار فقر (PI)<sup>۱</sup> به عنوان متغیر وابسته است. در راستای فقر مطالعات متعددی صورت گرفته است و ما در این پژوهش برای ارائه شواهد فقر از رویکرد مطالعه راغفر و همکاران استفاده می‌کنیم. آن‌ها برای مطالعه خود از رابطه ذیل استفاده می‌کنند.

ضریب انگل × مقیاس معادل × متوسط ارزش سبد غذا در استان = خط فقر مطلق

- محاسبه ارزش سبد غذایی: برای مشخص کردن نیاز به انرژی غذایی، متخصصان تغذیه نیاز به انرژی افراد مختلف را در حالت استراحت و انجام فعالیت‌های مختلف برآورد می‌کنند. این سبد غذایی تعریف شده مطابق عادات غذایی جامعه مورد مطالعه تعریف می‌شود. در کشور ما دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت سبد مطلوب غذایی گروه‌های مختلف سنی را بر اساس مواد غذایی متداول در کشور اعلام کرده است. سبد غذایی که در اینجا برای محاسبه فقر استفاده می‌شود بر مبنای ۲۰۸۰ کیلو کالری در روز تعریف شده است. داده‌های خام مربوط به هزینه خوراکی خانوارها در پرسشنامه هزینه درآمد خانوار گزارش شده است.

- ضریب انگل<sup>۲</sup>: محاسبه ضریب انگل با در نظر گرفتن متوسط نسبت هزینه غذا به کل هزینه برای کل طبقات درآمدی مورد انتقاد است، زیرا طبق قانون انگل، طبقات بالای درآمدی در مقایسه با خانوارهای کم درآمد، نسبت کمتری از کل مخارجشان را صرف غذا می‌کنند در نتیجه در نظر گرفتن آن‌ها در محاسبه ضریب انگل موجب تخمین غیرواقعی خط فقر می‌شود. در این روش که مستلزم شناسایی فقرا پیش از محاسبه خط فقر است، عموماً دهک‌های پایین درآمدی به عنوان گروه‌های فقیر در نظر

1. Poverty Index (PI)

2. Engel coefficient

گرفته می‌شوند، اما به این علت که در کشور ما الگوی توزیع درآمد به گونه‌ای است که دو دهک پایین درآمدی، درصد کثیری از جمعیت را در خود جای داده‌اند، استفاده از دهک‌های پایین درآمدی می‌تواند منجر به تخمین غیرواقعی خط فقر شود. برای رفع این مسئله فرض کردیم که جمعیت فقرا بیش از ۴۰ درصد کل جمعیت نیست. در نتیجه برای محاسبه متوسط نسبت هزینه غذا به کل هزینه از اطلاعات مربوط به مخارج ۴۰ درصد خانوارها که دارای پایین‌ترین سطح هزینه هستند، استفاده شده است.

- محاسبه مقیاس معادل<sup>۱</sup>: هنگامی که بخواهیم خط فقر خانوار یک نفره را به خانوار دو نفره و بیشتر تعمیم دهیم، نکته حائز اهمیت این است که بدانیم به ازای اضافه شدن هر فرد اضافی به خانوار چه میزان به مخارج خانوار اضافه می‌شود. از آنجایی که خط فقر برای بزرگسالان (معادل پولی ۲۰۸۰ کیلوگالری در روز) محاسبه شده است برای محاسبه بُعدهای دیگر باید خط فقر یک نفره را در مقیاس معادل مناسب ضرب کنیم تا امکان مقایسه خانوارها با ابعاد مختلف فراهم شود. روش ارائه شده در مطالعه هاتون و خندکر<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، فرمول  $(N_a + 0.4N_c)^{0.85}$  است که در آن  $N_a$  تعداد بزرگسالان و  $N_c$  تعداد کودکان است؛ بنابراین، خط فقر برای هر خانوار با ترکیبی متفاوت از کودکان و بزرگسالان قابل محاسبه است (راغفر و همکاران، ۱۳۹۴).

در ادامه رشد اقتصادی سرانه GDPPCG<sup>۳</sup> متغیر مستقل است که از تغییر تولید ناخالص داخلی حاصل شده است. یکی دیگر از متغیرهای مستقل مدل، متغیر مجازی رشد اقتصادی برنامه اول و سوم توسعه DUMPROGGDPPCG<sup>۴</sup> است. در این پژوهش در کنار متغیر رشد اقتصادی که تاثیر آن از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۹ بر متغیر فقر بررسی می‌شود برای پاسخ به سوال دوم متغیر مجازی در الگو وارد شد به نحوی که در سال‌های برنامه اول و سوم کد یک و سایر سال‌ها کد صفر به آن اختصاص یافت. این متغیر به صورت ضربی (تعاملی) با رشد اقتصادی در مدل وارد می‌شود. متغیرهای

- 
1. Equivalence Scale
  2. Hatton, J. & Khandaker, S.
  3. gross domestic product per capita change (GDPPCG)
  4. Dummy proccing Gross domestic product per capita change (DUMPPROGGDPPCG)

OILRENT و SSREXRATIO<sup>۱</sup> نیز به ترتیب رانت نفتی و مخارج تامین اجتماعی هستند که درصدی از تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده است. در آخر INF<sup>۲</sup> و DUMWAR به ترتیب تورم و متغیر مجازی جنگ هستند که به عنوان متغیر کنترلی ثابت در نظر گرفته شده است.

از آنجا که دوره زمانی مورد مطالعه؛ یعنی سال‌های ۹۹-۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصادف شده است که برای جلوگیری از شکست ساختاری مدل، سال‌های انقلاب و جنگ تحمیلی را یک و مابقی سال‌ها را صفر در نظر گرفتیم.

### ۳-۱. آماره توصیفی

آماره توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که برای جمع‌آوری، تلخیص، طبقه‌بندی و توصیف حقایق عددی به کار می‌رود. در واقع این نوع تحلیل، داده‌ها و اطلاعات پژوهش را توصیف کرده و طرح یا الگوی کلی از داده‌ها را برای استفاده سریع و بهتر از آن‌ها به دست می‌دهد (دلاور، ۱۳۸۶).  
در جدول (۱) شاخص‌های آماری متغیرهای تحقیق توصیف شده است.

جدول ۱. شاخص‌های آماری متغیرهای تحقیق

متغیرها	PI	GDPPCG	OilRent	SSRExRatio	INF
تعداد	۴۰	۴۳	۴۳	۴۳	۴۳
میانگین	۰/۴۱	۱/۳۵	۲۰/۱۰	۲/۱۲	۱۹/۹۶
میانه	۰/۴۲	۲/۱۰	۲۰/۷۰	۱/۷۰	۱۸/۱۰
انحراف معیار	۰/۰۶	۷/۷۲	۷/۰۰	۱/۲۸	۹/۶۵
چولگی	۰/۴۶	-۰/۷۳	-۰/۰۵	۱/۰۰	۰/۹۹
کشیدگی	۲/۸۹	۵/۱۰	۲/۵۱	۲/۸۰	۳/۶۴

منبع: یافته‌های پژوهش

در مطالعه توزیع یک جامعه آماری، مقدار نماینده که اندازه‌ها در اطراف آن توزیع شده‌اند، مقدار مرکزی گفته می‌شود و هر معیار عددی را که معرف مرکز مجموعه داده‌ها باشد، معیار گرایش به مرکز می‌نامند. میانگین و میانه از متداول‌ترین معیارهای

1. Social security rate expenses Ratio (SSREXRATIO)  
2. Inflation (INF)

گرایش به مرکز هستند (میرشکاری، ۱۳۹۱). در میان متغیرهای پژوهش، متغیر رانت نفتی دارای بیشترین میانگین و میانه، متغیر نرخ سر شمار فقر دارای کمترین میانگین و میانه را در طول دوره زمانی برخوردار است. انحراف معیار یکی از شاخص‌های پراکندگی است که نشان می‌دهد به طور میانگین داده‌ها چه مقدار از مقدار متوسط فاصله دارند. اگر انحراف معیار مجموعه‌ای از داده‌ها نزدیک به صفر باشد، نشانه آن است که داده‌ها نزدیک به میانگین هستند و پراکندگی اندکی دارند و برعکس (میرشکاری، ۱۳۹۱).

در میان متغیرهای پژوهش، متغیر تورم دارای بیشترین انحراف از معیار و متغیر نرخ سرشماری فقر دارای کمترین انحراف از معیار است. چولگی<sup>۱</sup>، ضریب کجی مشخصی است که مقدار کجی را مشخص می‌کند. مقدار آن بین ۳- و ۳+ تغییر می‌کند. اگر چولگی بین ۰/۵- و ۱- یا بین ۰/۵+ و ۱+ باشد، توزیع تا حدی متقارن است. اگر چولگی کمتر از ۱- یا بزرگ‌تر از ۱+ باشد، توزیع دارای چولگی بالا است (Johnsin, 2001). متغیر مخارج تامین اجتماعی دارای بیشترین چولگی و متغیر رشد اقتصادی سرانه دارای کمترین چولگی است. کشیدگی<sup>۲</sup> نیز یکی از شاخص‌های پراکندگی است و از شاخص‌های فاصله‌ای است. این شاخص میزان پراکندگی، کشیدگی و تمرکز داده‌های یک توزیع فراوانی را مشخص می‌کند. به بیان دیگر، کشیدگی به میزان پهن یا قله‌دار بودن توزیع دلالت دارد (حسینی پاک، ۱۳۸۶). در بین متغیرهای پژوهش، متغیر رشد اقتصادی سرانه دارای بیشترین کشیدگی و متغیر رانت نفتی دارای کمترین کشیدگی است.

#### ۴. برآورد مدل

نتیجه برآورد الگوی خود همبسته با وقفه‌های توزیعی براساس آزمون اکائیک به صورت مدل [۳، ۶، ۵، ۵، ۱] در جدول (۲) ارائه شده است.

---

1. Skewness  
2. Kurtosis

جدول ۲. نتایج حاصل از برآورد الگوی خود همبسته با وقفه‌های توزیعی

نام متغیر	ضریب برآورد شده	انحراف معیار	T (احتمال) آماره
PI(-1)	۰/۲۴۷	۰/۱۰	۲/۲۵ (۰/۰۵۸)
GDPPCG(-5)	-۰/۰۰۳	۰/۰۰	-۴/۳۷ (۰/۰۰۳)
DUMPROGDPGPCG(-5)	۰/۰۰۴	۰/۰۰	۲/۵۵ (۰/۰۳۷)
OILRENT(-6)	-۰/۰۰۶	۰/۰۰	-۵/۲۰ (۰/۰۰۱)
SSREXRATIO(-3)	-۰/۰۵۷	۰/۰۲	-۲/۵۵ (۰/۰۳۸)
$R^2 = ۰/۹۴$	$\hat{R}^2 = ۰/۷۵$	DW=۲/۱۰	F= ۴/۹۰ (۰/۰۱۸)
آزمون‌های تشخیصی			
عدم خودهمبستگی	۰/۸۴		
شکل تبعی صحیح	۰/۱۸		
توزیع نرمال جمله پسماند	۰/۶۲		
همسانی واریانس	۰/۱۲		

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج جدول (۲) ضریب تعیین برابر با ۰/۹۴ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۷۵ است. درصد نشان داده شده توسط ضریب تعیین با فرض تاثیر همه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته است. در صورتی که درصد نشان داده شده توسط ضریب تعیین تعدیل شده، یعنی ۰/۷۵ فقط حاصل از تاثیر واقعی متغیرهای مستقل مدل بر متغیر وابسته است. اگر آماره دوربین واتسون بزرگ‌تر از ضریب تعیین باشد، نشان از این دارد که رگرسیون کاذب نیست، در این برآورد هم گویا این قضیه است. در مدل پویای کوتاه مدت تمامی متغیرها معنی دار شده اند، آماره F در این مدل برابر با ۴/۹۰ است که حاکی از معنی داری کل رگرسیون است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مدل هیچ گونه مشکلی از لحاظ فروض کلاسیک ندارد؛ یعنی خود همبستگی بین اجزا اخلاص وجود نداشته، فرم تابعی مدل به خوبی تصریح شده، توزیع اجزا اخلاص، نرمال بوده و مشکل واریانس ناهمسانی وجود ندارد. بنابراین، بر اساس نتایج آزمون شناختی فوق، اعتبار آماری نتایج تایید می‌شود.

#### 1. Durbin - Watson Test

پس از تخمین معادله پویا وجود رابطه همجمعی بین متغیرها بررسی می‌شود. برای این منظور از آزمون همجمعی به روش بنرجی، دولادو و مستر<sup>۱</sup> انجام می‌شود. کمیت  $t$  مورد نظر برای انجام این آزمون به صورت ذیل محاسبه می‌شود.

$$t = \frac{\sum_{j=1}^p \hat{\gamma}_{j-1}}{\sum_{j=1}^p (se \hat{\gamma}_j)} = -7/6$$

قدر مطلق آماره  $t$  محاسبه شده ( $-7/6$ ) از قدر مطلق اندازه بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر ( $-4/05$ ) بزرگ تر است. به این ترتیب فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود همجمعی بین متغیرهای الگو رد می‌شود. بنابراین، وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگوی فوق تایید می‌شود. پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، ضرایب بلندمدت الگو برآورد می‌شود که نتایج در بخش بعدی ذکر شده است.

## ۵. یافته‌ها

در این بخش قصد داریم تمامی متغیرها را در نتایج بلندمدت تحلیل کرده و در آخر به سوالات پاسخ داده شود.

جدول ۳. نتایج رابطه بلندمدت

نام متغیر	ضریب برآورد شده	انحراف معیار	(احتمال) آماره T
GDPPCG	۰/۰۱۶	۰/۰۰	۲/۵۸ (۰/۰۳۶)
DUMPROGGDPPCG	-۰/۰۳۵	۰/۰۰	-۵/۴۴ (۰/۰۰۱)
OILRENT	-۰/۰۱۳	۰/۰۰	-۴/۹۴ (۰/۰۰۱)
SSREXRATIO	-۰/۰۰۵	۰/۰۰	-۰/۶۴۸ (۰/۵۳۷)

منبع: یافته‌های پژوهش

ضریب رشد اقتصادی برابر با ۰/۰۱ است که نشان می‌دهد رشد اقتصادی در بلندمدت اثر مثبت و معنی‌داری بر فقر<sup>۱</sup> دارد. با افزایش یک درصدی رشد اقتصادی،



فقر به اندازه ۰/۰۱ درصد افزایش می‌یابد. با توجه به نتیجه حاصل شده و نرخ فقر محاسباتی راغفر و همکاران که سه عامل، ضریب انگل و ارزش سبد غذایی استان و مقیاس معادل (به ازای هر فرد چه میزان به مخارج خانوار اضافه می‌شود) به کار گرفتند، موضوع هزینه و درآمد خانوار به دلیل تاثیرگذاری مستقیم بر شرایط معیشتی و کیفیت زندگی خانوار از اهمیت زیادی برخوردار است. این موضوع از آنجایی اهمیت دارد که خانوارهای دارای درآمد پایین جامعه اغلب سهم بزرگ‌تری از درآمد خود را به هزینه‌های خوراکی تخصیص می‌دهند؛ از این رو، وجود تورم و افزایش قیمت تاثیر جدی‌تری به نحوه گذران زندگی این خانوارها دارد. تورم عامل اصلی انتفاع برای لایه‌های بالای درآمدی بوده و از این رو عامل فقرزایی و محرومیت و تبعیض است. در کنار تورم اعمال طیف وسیعی از تحریم‌های اقتصادی و کاهش درآمدهای نفتی، اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به صورت ناقص و در زمان نامناسب از چالش‌های بحران‌زای برنامه‌های توسعه اقتصادی از جمله برنامه‌های چهارم و پنجم است. به این ترتیب در این پژوهش با توجه به متغیرهای موجود در مدل و داده‌های در دسترس به نظر می‌رسد که رشد اقتصادی در دوره (۱۳۹۹-۱۳۵۷) تاثیر موثری بر فقر نداشته است. ضریب متغیر مجازی رشد اقتصادی برنامه اول و سوم توسعه برابر با ۰/۰۲- است که نشان می‌دهد رشد اقتصادی در برنامه اول و سوم توسعه در بلندمدت منفی و معنی‌دار است. با افزایش یک درصد رشد اقتصادی در برنامه اول و سوم توسعه اقتصادی فقر به اندازه ۰/۰۲ درصد کم می‌شود. پس از جنگ تحمیلی و ضرورت بازسازی اقتصاد کشور و بهبود وضع معیشتی مردم، رشد اقتصادی از اساسی‌ترین نیازهای توسعه ملی به شمار می‌آید. گفتنی است که در این برنامه، عمران روستایی در فصول مختلف مورد توجه قرار گرفت و اعتباری برای عمران و نوسازی روستاها تخصیص داده شد.

مثبت‌ترین وجوه برنامه اول، گذشته از توجه به بخش کشاورزی، دیدگاه تبدیل بخش سنتی به بخش نوین و سودآور بود تا امکان برداشت بهینه از عوامل تولید در بخش کشاورزی فراهم شود. به این ترتیب نابرابری درآمدی کاسته شده و تاثیر رشد بر فقر فزونی پیدا می‌کند. در برنامه سوم با وجود رشد اقتصادی به نسبت مطلوب و نرخ

---

۱. داده‌های محاسباتی نرخ فقر راغفر و همکاران تا سال ۱۳۹۶ در دسترس بوده است، مابقی متغیرها تا سال ۱۳۹۹ در دسترس نژبوده و مورد برآزش قرار گرفتند.

تورم پایین باید افزود در خصوص جایگاه توسعه روستایی نیز با وجود تاکید بر توسعه هماهنگ و موزون، نگرش فیزیکی بر توسعه روستایی غلبه داشته است. در مجموع، ارائه خدمات زیرساختی در روستاها در زمینه عمران روستایی موفق‌تر بوده است. به این ترتیب برنامه اول و سوم توسعه برخلاف نتیجه قبلی که نابرابری در دهک‌های پایین درآمدی مانع تاثیرگذاری موثر رشد اقتصادی بر فقر شده بود. طبق نتیجه حاصل شده تاثیر رشد اقتصادی بر فقر منفی است.

ضریب رانت نفتی برابر با  $0/01$  - است که نشان می‌دهد رانت نفتی در بلندمدت اثر منفی و معنی‌داری بر فقر دارد. با افزایش یک درصد در رانت نفتی فقر به اندازه  $0/01$  کم می‌شود. با توجه به اینکه در جمهوری اسلامی به علت ساختار متفاوت اقتصادی، افزایش درآمد سرانه و رشد اقتصادی ناشی از افزایش درآمدهای نفتی است این نتیجه مطابق انتظار بود.

ضریب مخارج تامین اجتماعی برابر با  $0/005$  - است؛ آماره T در جدول (۳) نشان می‌دهد مخارج تامین اجتماعی در بلندمدت بر فقر تاثیری ندارد.

هدف از این پژوهش پاسخ دادن به دو سوال بود که عبارتند از: ۱- رشد اقتصادی چه تاثیری بر فقر دارد؟ ۲- اثر رشد اقتصادی بر فقر در برنامه اول و سوم توسعه متفاوت‌تر از سایر سال‌هاست؟

با توجه به نتیجه حاصله، اثر رشد اقتصادی در دوره ۱۳۹۹-۱۳۵۷ بر فقر اثر مثبت دارد در حالی که رشد اقتصادی در برنامه اول و سوم به دلیل اینکه موجب کاهش فقر می‌شود به این ترتیب بیشتر و موثرتر از سایر سال‌ها است.

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از آنجایی که حل معضل فقر امری کوتاه مدت نیست و مستلزم مداومت در برنامه توانمندسازی و فراهم آوردن فرصت‌های مشارکت در تولید محصول‌های مشارکت از جمله فقرا است و همچنین نابرابری فاحش می‌تواند اثرات رشد بر فقر را از بین ببرد. از این رو در پژوهش حاضر سعی شده است که افزایش‌ها و کاهش‌های رشد اقتصادی بر فقر طی دوره زمانی ۱۳۹۹-۱۳۵۷ با الگوی خود توضیحی با وقفه‌های توزیعی مورد بررسی قرار بگیرد.

در مبانی نظری پژوهش، با توجه به نظریه کوزنتس که نیازهای قشر ضعیف جامعه، اشباع شدنی نیست و میل نهایی به مصرف در اقشار کم درآمد بسیار است. بنابراین، بخش اعظمی از درآمد این طیف درآمدی، صرف خرید کالاها می‌شود. این موضوع از آنجایی اهمیت دارد که خانوارهای دارای درآمد پایین جامعه اغلب سهم بزرگ‌تری از درآمد خود را به هزینه‌های خوراکی تخصیص می‌دهند؛ از این رو، وجود تورم و افزایش قیمت تاثیر جدی‌تری به نحوه گذران زندگی این خانوارها دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که رشد اقتصادی در طول دوره مورد بررسی (۱۳۹۹-۱۳۵۷) به دلیل عواملی از جمله تورم و نابرابری درآمد تاثیر موثری بر فقر نداشته است.

در بحث دیگر در بررسی رشد اقتصادی (برنامه اول و سوم توسعه) بر فقر به تاثیر منفی رشد بر فقر مواجه شدیم، مثبت‌ترین وجوه برنامه اول، گذشته از توجه به بخش کشاورزی، دیدگاه تبدیل بخش سنتی به بخش نوین و سودآور بود تا امکان برداشت بهینه از عوامل تولید در بخش کشاورزی فراهم شود. به این ترتیب نابرابری درآمدی کاسته شده و تاثیر رشد بر فقر فزونی پیدا می‌کند. در برنامه سوم با وجود رشد اقتصادی به نسبت مطلوب و نرخ تورم پایین باید افزود در خصوص جایگاه توسعه روستایی نیز با وجود تاکید بر توسعه هماهنگ و موزون، نگرش فیزیکی بر توسعه روستایی غلبه داشته است. به این ترتیب رشد اقتصادی در برنامه اول و سوم برخلاف رشد اقتصادی در دوره مورد بررسی (۱۳۹۹-۱۳۵۷) تاثیر موثری بر فقر داشته است؛ از این رو، علاوه بر رشد اقتصادی به نسبت مطلوب، نرخ تورم پایین موجب کاهش نابرابری شده است.

با توجه به نتایج حاصله، پژوهش حاضر با مطالعات انجام شده توسط تریدیکو (۲۰۱۰)، برونیگ و مجید (۲۰۲۰)، راغفر و همکاران (۱۳۹۴)، اشرفی و همکاران (۱۳۹۷) مبنی بر عدم اثر پذیری رشد بر فقر و مطالعه فانتا و آپادهای (۲۰۰۹)، لی و پرا (۲۰۱۳)، ماررو و سرون (۲۰۱۸)، خداداد کاشی و شهیکی تاش (۱۳۹۳)، اشرفی و همکاران (۱۳۹۷) مبنی بر اثرپذیری رشد بر فقر همسو بوده است.

با توجه به اینکه در این پژوهش رشد اقتصادی در دوره ۱۳۹۹-۱۳۵۷ تاثیر موثری بر فقر نداشته است، سیاست‌های اقتصادی و نیز برنامه‌هایی که با هدف اصلاح نظام

توزیع درآمد در کشور صورت می‌پذیرد باید از جنس سیاست‌های حامی فقرا باشند. سیاست‌های اقتصادی بر این مبنای می‌توانند به بهبود معیشت عمومی مردم و کاهش نابرابری فاحش بینجامد.

### تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

### سپاسگزاری

در این پژوهش از راهنمایی‌های خانم دکتر زهرا کریمی موغاری، به عنوان استاد راهنما که همواره با راهنمایی‌های علمی و اخلاقی ارزنده، سعه صدر نگارنده را مورد لطف و محبت بی پایان خود قرار دادند، کمال تشکر و قدردانی را به جا بیاورم. همچنین از جناب آقای دکتر شهريار زروکی به عنوان استاد مشاور که مسئولیت سنگینی را قبول زحمت فرمودند و مطمئناً بدون حمایت‌ها و راهنمایی‌های ایشان، انجام بخش مهمی از این پایان نامه میسر نمی‌شد، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

### ORCID

Mohammad Reza Zare



<https://orcid.org/0000-0003-0316-7474>

Zahra Karimi Moughari



<https://orcid.org/0000-0002-6710-3237>

Shariyar Zaroki



<https://orcid.org/0000-0002-7078-4547>

### منابع

- اسمعیل زاده، رضا (۱۳۹۵). *رشد اقتصادی و دولت*. انتشارات جاودانه.
- اشرفی، سکینه؛ بهبودی، داود؛ واعظ مهدوی، محمدرضا و پناهی، حسین (۱۳۹۷). سه وجهی رشد، نابرابری و فقر در ایران در برنامه‌های توسعه. *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۸ (۷۱)، ۱۹-۴۴.
- ارضروم چیلر، نرگس (۱۳۸۴). ابعاد گوناگون فقر در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، ۲۸، ۱-۹۹.
- برخورداری، سجاد؛ عبدی، مانده و سلگی، صدیقه (۱۳۹۷). رابطه رشد درآمد سرانه، اعتبارات دریافتی خانوار و نابرابری درآمدی، مورد مطالعه: استان‌های ایران. *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۸ (۶۹)، ۱۳۲-۱۰۷.

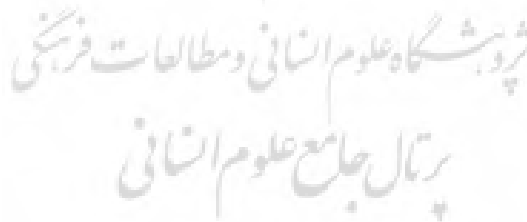
- پیش بهار، اسماعیل (۱۳۹۷). *اقتصادسنجی جلد دوم (همراه با کاربرد نرم افزارهای اقتصادسنجی)*. تهران: انتشارات نور علم.
- جعفری دی، ساش (۱۳۸۹). *پایان فقر؛ فرصت‌های اقتصادی عصر ما (ترجمه پرویز قاسمی و آرزیتا گل زاده)*. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دادگر، یدالله؛ نوفرستی، محمد و مختاری، محمدعلی (۱۳۹۹). *یک ارزیابی از سطح، روند و توزیع فقر چند بعدی در ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، ۲۵(۲)، ۴۳-۲۵*.
- راغفر، حسین؛ بابا پور، میترا و یزدانپناه، محدثه (۱۳۹۴). *بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه. فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی- کاربردی ایران، ۴(۱۶)، ص ۷۹-۵۹*.
- سوری، علی (۱۴۰۰). *اقتصادسنجی پیشرفته جلد دوم همراه با کاربرد Stata12 و Eviews8*. انتشارات نور علم.
- شهیک‌تاش، محمد نبی و علیزاده، صدیقه (۱۴۰۰). *بررسی ارتباط میان فقر، توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران (با رویکرد فازی)*. *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۱۰(۳۸)، ۵۴-۳۹*.
- عمادی، پوریا و باصری، بیژن (۱۳۸۷). *تحلیل آثار مخارج تامین اجتماعی بر بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه اقتصاد مالی، ۲(۳)، ۱۳۱-۱۴۷*.
- عرب‌مازار، عباس و نورمحمدی، خسرو (۱۳۹۵). *تحلیل انتقادی هدف‌های اقتصادی برنامه‌های توسعه در ایران (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)*. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۵(۱)، ۴۲-۱۹*.
- کریمی، محمد شریف؛ دل‌انگیزان، سهراب و حشمتی‌دایاری، الهام (۱۴۰۰). *اندازه‌گیری سهم رشد و نابرابری در کاهش فقر (مطالعه موردی استانهای ایران)*. *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، ۱۱(۱)، ۷۷-۶۳.
- کریمی، محمد شریف؛ دل‌انگیزان، سهراب و حشمتی‌دایاری، الهام (۱۳۹۷). *رشد فقرزدا در استان‌های منتخب ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۶(۸۵)، ۸۳-۱۰۷*.
- مصلی‌نژاد، عباس و محمدزاده، اصغر (۱۳۹۵). *برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)؛ زمینه‌ها، اهداف، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها. فصلنامه راهبرد، ۲۵(۷۹)، ۱۵۵-۱۷۶*.
- نارایان، دیبا و جبّاری، حبیب (ویراستاران) (۱۳۹۴). *توانمندسازی و فقر*. تهران: انتشارات کریم خان زند.

## References

- Arab Mazar, A., & Noormohammadi, KH. (2016). Critical analysis of the economic goals of development programs in Iran (before and after the victory of the Islamic Revolution). *Social studies and research in Iran* 5 (1), 19-42. [In Persian]
- Ashrafi, S., Behbodi, D., Waez Mahdavi, M. A., & Panahi, H. (2018). Three aspects of growth, inequality and poverty in Iran in development Plans. *Social welfare scientific-research quarterly*. 18 (71), 19-44. [In Persian]
- Alagia, M. J. (2018). *Studying the Relationship between Corruption and Poverty, Public Debt, and Economics Growth: A Case Study of the Gambia (1996-2016)*. (Master Thesis). Royal Institute of Technology (KTH), Sweden.
- Bosede, N. A., Obindah, G., Adeyemi, O., Oluwarotimi, O., Ifeoluwa, O., & Oluwasogo, A. (2020). Comparative investigation of the growth-poverty- inequality trilemma in subsaharan Africa and Latin American and Caribbean Countries. *Research Article*, 6(12), 1-14. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2020.e05631>
- Benjamin, N. (2018). An Examination of the Causes of Poverty on Economic Growth in Nigeria. *Africa's Public Services Delivery and Performance Review*, 6(1), 1-10.
- Behnezhad, S.; Razmi, M. J. & Malek sadati, S. (2021). The Role of Institutional conditions in the Impact of Economics Growth on Income Inequality. *Science and Education Publishing Journal of Finance and Economics* 9(1), 11-15.
- Barkhordari, S., Abdi, M., & Solgi, S. (2018). The relationship between per capita income growth, household credits and income inequality, case study: Iranian provinces. *Journal of Economic Research*, 18(69), 107-132. [In Persian]
- Dadgar, Y., Nofaresti, M., & Mokhtari, M. A. (2020). An assessment of the level, trend, and distribution of multidimensional poverty in Iran. *Scientific-research quarterly of planning and budget*, 25 (2), 25-43. [In Persian]
- Erzrum Chiller, N. (2005). Various dimensions of poverty in Iran. *Economic Research Quarterly*, (28), 1-99. [In Persian]
- Emadi, P., & Baseri, B. (2008). Analysis of the effects of social security expenditures on labor productivity and economic growth in Iran. *Financial Economics Quarterly*, 2 (3), 131-147. [In Persian]

- Esmailzadeh, Reza. (2015). *Economic growth and government*. Immortal publications. [In Persian]
- gyemang, E. (2014). *Economic Growth, Income Inequality and Poverty Reduction: A Regional Comparative Analysis*. (Master Thesis). University of Lethbridge (U of L), Canada.
- Jeffrey D, S. (2010). *the end of poverty; Economic opportunities of our era (translated by Parviz Ghasemi and Azita Golzadeh)*. Islamic Council Research Center Publications. [In Persian]
- Kholeka, M., & Sin, Y. (2021). Literature Review on Income in Inequality and Economic Growth. *Method Article*, 8, 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.mex.2021.101402>
- Karimi, M. Sh., Delangizan, Sohrab., & Heshmati Dayari, E. (2021). Measuring the share of growth and inequality in reducing poverty (case study of Iranian provinces). *Quarterly Journal of Quantitative Economics (Former Economic Surveys)*, 18 (1), 63-77. [In Persian]
- Karimi, M. Sh., Delangizan, Sohrab., & Heshmati Dayari, E. (2018). The growth of poverty alleviation in selected provinces of Iran. *Quarterly journal of economic research and policies*, 26(85), 83-107. [In Persian]
- Mosli Nejad, A., & Mohammadzadeh, A. (2016). Third Development Plan (1379-1383); Backgrounds, goals, successes and failures. *Strategy Quarterly*, 25 (79), 155-176. [In Persian]
- Maros, I., & Will, Martin. (2018). Sectoral Productivity Growth and Poverty Reduction: National and Global Impacts. *International Food Policy Research Institute, Washington, DC, USA*, 109, 429-439. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2017.07.004>
- Muhammad, J., Umalma, A., & Abdul, Q. (2012). Impact of Remittances on Economic Growth and Poverty. *Academic Research International*, 2(1), 433-447.
- Narayan, D., & Jabari, H (The editors). (2015). *Empowerment and poverty*. Karim Khan Zand Publications. [In Persian]
- Pish Bahar, E. (2018). *Econometrics, the second volume (along with the application of econometric software)*. Noor Alam Publications. [In Persian]
- Richardson, K. E., Evelyn, O. O., & Sam, U. (2017). Examination of the Dynamic Relationship Between Poverty and Inequality: Evidence from Nigeria Micro Data. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 7(2), 518-523.
- Raghfar, H., Babapout, M., & Yazdanpanah, M. (2015). Investigating the relationship between economic growth and poverty and inequality in Iran

- during the first to fourth development plans. *Scientific-Research Quarterly of Economic-Applied Studies of Iran*, 4 (16), 59-79. [In Persian]
- Shakoori, A. (2019). *Regionalization of Development Plans In Iran: A Review of Status an Challenges. International Journal of Social Sciences*, 1(9), 13-25.
- Syeda, A. H., Khalid, Z., & shah, G. (2015). The Relationship between Growth Inequality-Poverty Triangle and Environmental Degradation: Unveiling the Reality. *Arab Economic and Business Journal*, 10(1), 57-71. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aebj.2014.05.007>
- Sebil, N. A. (2019). Technology Access, Inclusive Growth and Poverty Reduction In nigeria: Evidence Error Correction Modeling Approach. *Zagreb International Review of Economics & Business*, 22(2), 1-21. [DOI:10.2478/zireb-2019-0017](https://doi.org/10.2478/zireb-2019-0017)
- Suri, A (2021). *Advanced econometrics volume two with application Eviews8 and Stata12*. Noor Alam Publications. [In Persian]
- Shahiki Tash, M.A., & Alizadeh.S. (2021). Investigating the relationship between poverty, income distribution and economic growth in Iran (with a fuzzy approach). *Quarterly Journal of Applied Economic Studies of Iran*, 10 (38), 59-54. [In Persian]



**استناد به این مقاله:** زارع چمازکتی، محمدرضا، کریمی موغاری، زهرا و زروکی، شهریار. (۱۴۰۱). تاثیر رشد اقتصادی بر فقر: مطالعات تطبیقی برنامه اول و سوم توسعه، پژوهشنامه اقتصادی، ۸۵ (۲۲)، ۹۵-۱۱۸.



Journal of Economic Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.